



مقایسه و تحلیل موضوع عشق درباب دوازدهم گلدسته گلشن معانی و باب سوم بوستان سعدی

دکتر ممیت الرشید^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا،

داکا، بنگلادش

(تاریخ دریافت: ۱۲ فروردین ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰؛ تاریخ انتشار: ۱۰ شهریور ۱۴۰۰)
در این مقاله به بررسی تحلیل موضوع عشق درباب دوازدهم گلدسته گلشن معانی و باب سوم بوستان سعدی و همچنین مقایسه این دو اثر پرداخته‌ایم. سروده‌ها و نوشته‌ها درباره عشق، همچون خود عشق، سابقه‌ای دیرینه دارد و شاعران و نویسندگان ایران و جهان درباره آن، سخن‌ها گفته‌اند. سعدی نیز از کسانی است که مایه غزل‌های او عشق است. او سخن در عشق را به اوج آسمان‌ها رسانده و در کار عشق‌ورزی از سرزنش و سعایت دیگران باکی ندارد و پند ناصحان را گوش نمی‌دهد. عشق او پاک است و صرفاً به جمال انسان محدود نمی‌شود. معشوق نیز با تمام صفات منفی‌اش، از چنان زیبایی برخوردار است که شاعری همچون سعدی در وصفش می‌ماند. عشق در گلدسته گلشن معانی نیز بیت‌هایی از شاعران زیاد و معرفی از جمله خود سعدی، حافظ، صائب، امیر خسرو، حسن دهلوی، جامی، همدانی، لاهوری، وحشی، فغانی و... گردآوری شده است. گلدسته گلشن معانی در بیان بی‌وفایی معشوق و وفای عاشق، اختلاط و تغافل، مکر و فریب، رشک و وعده، آشنائی و عهد و پیمان از عاشق و معشوق سروده شده است.

واژه‌های کلیدی: عشق، گلدسته گلشن معانی، بوستان، سعدی، تحلیل و مقایسه.

¹ E-mail: mumit2020@gmail.com

مقدمه

غزل در لغت به معنی سخن گفتن با زنان و عشق بازی و حدیث عشق و عاشقی کردن است و در اصل، شعری است که شاعر در آن از جوانی و محبت ورزیدن و دل بستگی خود به معشوق و وصف جمال او و شرح حالات فراق و وصال و بی وفایی و سنگدلی و محنت کشیدن عاشق و امثال آن، سخن می گوید (شمیسا ۱۳۹۶).

با اندکی تأمل، روشن می شود که در حدیث مغالزه، تنها موضوع غزل نیست. بلکه ممکن است، موضوعات و مضامین اخلاقی، اجتماعی، دقایق حکمت و معرفت، مبارزه با زهد ریایی و غیره نیز موضوع غزل قرار گیرد و حتی اینکه در دوران معاصر، مسائل سیاسی و اوضاع اجتماعی همچون دفاع از آزادی، قانون، وطن، انتقاد از مسائل روز و.... وارد غزل شده است.

غزل در شعر فارسی، سابقه دیرینه دارد و از همان اوان، با موسیقی همراه بوده و قبل از اسلام با خنیاگری و رامشگری در هم آمیخته است. اینکه موضوع غزل در مراحل اولیه پیدایش و سیر خود در دوران بعد چه بوده، دکتر شمیسا می نویسد: «معمولاً برای مدح از قالب قصیده استفاده می شده است. اما از قرن ششم به بعد بازار غزل رونق گرفت و در غزل نیز مدح دیده شد و وظیفه اصلی قصیده را به عهده گرفت».

در ضمن مدح نیز به مفهوم گسترده آن؛ یعنی مدح أمراء و سلاطین و بزرگان نیست. بلکه بیشتر مدح معشوق مورد نظر است. حال ممکن است این معشوق خدا (غزل عارفانه) یا ممدوح (غزل مدحی) و زن با پسری نو خط (غزل عاشقانه) باشد.

در این مقاله ابتدا به پیشینه پژوهش، بررسی و تحلیل باب سوم غزلیات از بوستان سعدی می پردازیم و سپس به معرفی مجموعه گلستانه گلشن معانی و در نهایت به مقایسه و جمع بندی این دو اثر خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع مورد نظر پژوهشی مستقل صورت نگرفته است، لذا در اینجا به معرفی یکسری پژوهش هایی که به صورت غیرمستقیم در ارتباط با موضوع به تحریر درآمده است می پردازیم. عشق قدیم است و بی منت ها و حدیث آن به طومار در نمی گنجد با این حال آثاری که در این زمینه، نوشته شده اند همچون خود عشق از سابقه ای بس طولانی به قدمت ادبیات و شعر فارسی و شاید بیشتر برخوردار هستند. از سوی دیگر، دامنه نوشتن و سرودن آثار در این موضوع نیز بی متناهیست.

در این میان عده ای از نویسندگان، آثاری از خود به جا گذاشته اند که در اغلب آنها به طور کل، به موضوع عشق پرداخته شده است. از آن جمله اند: رساله هایی در موضوع عشق و عقل از نجم رازی،

بوعلی سینا و ... حدیث عشق در شرق از ژان کلود واده^۱، عشق صوفیانه و حالات عشق مجنون از جلال ستاری، عشق در ادب فارسی از ارژنگ مدیا عشق و عرفان و تجلی آن در شعر فارسی از داریوش صبور، شرح عشق از مهدی خلیلیان و وسوسه عاشقی از محمد دهقانی و دهها کتاب، رساله و مقاله دیگر.

گروه دیگر، تنها فصل یا بابی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. چون: افلاطون در چهار رساله و پنج رساله، خواجه عبدالله انصاری در رساله واردات و دل و جان، عنصر المعالی در بابی از قابوسنامه، بخش‌های مختلف و مطالب پراکنده‌ای از مرصادالعباد نجم رازی، سوانح غزالی، لوائح عین القضاء، عیبر العاشقین روزبهان بقلی و انس التائبین احمد جام و غیره.

شاعران نیز از این موضوع، غافل نمانده‌اند و عشق را زینت بخش دفترهای شعر خود قرار داده‌اند. عشق و توصیف آن اعم از دم یا مدح آن و حقیقتی و مجازی بودنش موضوع شعر اغلب شاعران فارسی زبان بوده است. نخستین نشانه‌های عشق را می‌توان در آثار رودکی و شهید بلخی و با یزید بسطامی دید. با این حال، عشق در آثار سنایی نظامی، جامی، عطار، خواجهی کرمانی، فخرالدین عراقی، مولوی، سعدی و حافظ نمود بیشتری دارد و برگ‌های زرین دفترهای شعر اینان، رایحه دل انگیز عشق را به همراه دارد.

درباره سعدی که در غزل عاشقانه، سرآمد همگان است تاکنون آثار فراوانی نوشته شده است و اندیشمندان، محققان و نویسندگان هر یک به وسع خود، درباره زندگی، احوال، شعر و اندیشه او، سخن‌ها گفته و آثاری از خود به یادگار گذاشته‌اند که می‌توان به تعداد چند به عنوان مشت نمونه خروار اشاره کرد.

مقالات مشکل عشق از نظر سعدی و حافظ از عبدالعلی دستغیب، «جنبه‌های معنوی سخن سعدی، و عرفان سعدی» از دکتر مژده، تصوف در نظر سعدی، از دبیری نژاد، «رواج بازار شعر و شاعری از محمد علی جمالزاده»، «جلوه‌های عرفان در آثار منظوم سعدی» از اسماعیل حاکمی و چندین مقاله دیگر که در مجله‌های ارمغان، پیام نوین و و کتاب‌های ارزشمند «ذکر جمیل سعدی» گردآوری کمیسیون ملی یونسکو، «مکتب سعدیه از کشاورز صدر»، «مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، تألیف دکتر منصور رستگار فسایی» و «سلسله موی دوست، از دکتر کاووس حسن لی»، و سعدی شناسی از کورش کمالی سروستانی، گردآوری و چاپ شده‌اند.

علاوه بر اینها، در مقدمه تصحیحاتی از کلیات سعدی و گزیده‌ها و چاپ‌های مختلفی که از آثار او

¹ Jean-Claude Vadet

صورت گرفته و کتاب‌های دیگری که در زمینه سعدی‌شناسی به طبع رسیده، به طور پراکنده به عشق شاعر، اشاره شده است اما هیچ یک از این منابع «عشق سعدی» را آن گونه که مورد نظر این مقاله است، مورد بررسی و تحلیل قرار نداده‌اند، امید است این مجموعه بتواند پرده از روی برخی ناگفته‌ها دربارۀ عشق سعدی بردارد و راه مطالعه و تحقیق را برای پژوهندگان و ادب‌دوستان، هموار کند.

تحلیل حکایت گدازاده و پادشاه‌زاده از باب عشق و شور و مستی در بوستان سعدی با رویکرد روایی (قوی کتف و صمصام، ۱۳۹۶). هدف آن این است که تحلیل روایی در عنصر پیرنگ‌پردازی و مضمون‌پردازی مورد توجه قرار می‌گیرد، پرسش پژوهش این است که سعدی چگونه و چه مقدار توانسته است از عناصر دو مقوله مذکور در این حکایت استفاده کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وی با استفاده از تمثیل، پیرنگ‌پردازی و مضمون‌پردازی توانسته است حکایتی را با عناصر روایی و مضمونی غنی بیافریند. همچنین عناصر هرم فریتاگ^۱ و مضامین اجتماعی که از مولفه‌های شعر غنایی است در این حکایت به خوبی استفاده شده است.

بررسی تطبیقی نمادپردازی در حکایت «یوسف و زلیخا» با نگاره «یوسف از دام زلیخا می‌گریزد» از نسخه بوستان سعدی دوره تیموری (حجازی، ۱۳۹۵). در آن مقاله تلاش شده است تا نمادینه‌ها و نشانه‌های کلامی در متن «حکایت یوسف و زلیخا» با نقش‌های نمادین «نگاره یوسف از دام زلیخا می‌گریزد» از بوستان سعدی مکتب هرات تطبیق داده شود. طبق نتایج به دست آمده کمال‌الدین بهزاد بر اساس شمای کلی داستان نگاره را ترسیم کرده است. نمادپردازی در هر دو اثر ادبی و تصویری به درک بیشتر موارد نغز کمک نموده است. اما نوع استفاده از عناصر در بخش‌هایی مشترک و در مواردی بنا به تفاوت بستر سازنده اثر متمایز بوده است.

بررسی سبک زبانی غزلیات سعدی (جعفری، ۱۳۹۴). در نوشته حاضر، غزلیات سعدی، در سطح زبانی، در سه مقوله آوایی، لغوی و نحوی، مورد دقت و بررسی قرار گرفته است.

تحلیل غزلیات باب سوم بوستان سعدی

باب سوم بوستان سعی با سرآغاز شروع می‌شود و تقریر عشق مجازی و قوت آن، در محبت روحانی، حکایت در معنی تحمل محب صادق، حکایت در معنی اهل محبت، حکایت پروانه و صدق محبت او، مخاطبه شمع و پروانه، حکایت در معنی غلبه وجد و سلطنت عشق، حکایت در فدا شدن اهل محبت و غنیمت شمردن، حکایت صبر و ثبات روندگان، حکایت در صبر بر جفای آن که از او صبر نتوان کرد، حکایت در معنی استیلائی عشق بر عقل، حکایت در معنی عزت محبوب در نظر محب،

¹ Freytag's Pyramid

حکایت مجنون و صدق محبت او، حکایت سلطان محمود و سیرت ایاز، حکایت دهقان در لشکر سلطان، حکایت صاحب نظر پارسا و گفتار اندر سماع اهل دل و تقریر حق و باطل آن بیان شده است.

سر آغاز

خوشا وقت شوریدگان غمش	اگر زخم ببندد و گر مرهمش
تقریر عشق مجازی و قوت آن	
تو را عشق همچون خودی ز آب و گل	رباید همی صبر و آرام دل
در محبت روحانی	
چو عشقی که بنیاد آن بر هواست	چنین فتنه انگیز و فرمانرواست
حکایت در معنی تحمل محب صادق	
شنیدم که وقتی گدا زاده‌ای	نظر داشت با پادشا زاده‌ای
حکایت در معنی اهل محبت	
شنیدم که بر لحن خنیاگری	به رقص اندر آمد پری پیکری
حکایت	

به شهری در از شام غوغا فتاد	گرفتند پیری مبارک نهاد
حکایت پروانه و صدق محبت او	
کسی گفت پروانه را کای حقیر	برو دوستی در خور خویش گیر
مخاطبه شمع و پروانه	

شبی یاد دارم که چشمم نخفت	شنیدم که پروانه با شمع گفت
---------------------------	----------------------------

اگر غزل را به معنای احساسات و عواطف عاشقانه و سخن وصال و فراق، بدانیم، باید سعدی را استاد این نوع غزل بنامیم. وی بیش از هر شاعر دیگر، جهان دیده و عشق ورزیده است. غزل بیشترین سهم را در سروده‌های غنایی او، به عهده دارد. او مرد عشق است و بازتاب اندیشه‌های عاشقانه‌اش را در غزل‌ها به تماشا می‌گذارد و با زبانی سحرآفرین، غزل عاشقانه فارسی را کمال می‌بخشد.

درباره ویژگی‌های غزل او، سخنان زیاد آمده است. دکتر رستگار فسایی در مقاله نسبتاً مبسوطی به نام «حدیث عشق» در این باره می‌نویسد: «زلال‌ترین و بی‌پرده‌ترین عواطف و احساسات شخصی و غنایی خویش را هم یکسره در «غزل» منعکس شده و «غزل» را وقف عشق و مستی می‌سازد. بدین معنی که غزل‌های سعدی نه تنها دید عاشقانه و زیبایی پسندانه و زندانه شاعر را متبلور می‌سازند و زوایای قلب و احساس و عاطفه و رنج‌ها و شادی‌های این شاعر عاشق‌پیشه را در سطوح عشق عادی و عرفانی یا زمینی و آسمانی، نشان می‌دهند، آینه التهابات و نگرانی‌ها و شور و حال مردم ایران نیز

هستند (رستگار فسایی ۱۳۷۹، ۹).

همچنین آقای شمیسا در این خصوص می‌گوید: «غزل سعدی دارای مشخصه باور است؛ یعنی خوانند تمایل دارد، ادعاهای او را باور کند. مثلا اکثر غزل‌های او به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد، سعدی از حقیقت سخن می‌راند و معشوق مخصوصی را در نظر داشته» (شمیسا ۱۳۹۶، ۸۹).

وی در جای دیگر از کتاب خود، می‌گوید: «سخن او از عرفان، خالی نیست، ولی نه عرفان غلیظ و خام سنایی و نه عرفان عالی و پخته مولوی و حتی عطار، بلکه عرفان ملموس و قابل فهم عموم که غالباً در حیطه عشق و زیبایی‌های صوری بیان می‌شود. عقیده عرفان سعدی، امکان مشاهده جمال مطلق در جمال مقید، است. به طور کلی، غزل او عاشقانه و متضمن معانی عشقی لطیف است، اما با چاشنی تصوف و اندرز و عبرت نیز در آمیخته. لطافت زبان و نزدیکی آن با زبان توده و نیز معانی ساده عالی، باعث شده است که غزلیات او در بین مردم رواج کلی داشته باشد» (شمیسا ۱۳۹۶، ۸۹).

دکتر رستگار درباره علل تأثیرگذاری سخن سعدی، به ویژه غزل‌های او، می‌نویسد: کلام سعدی از تأثیری عمیق و نفوذی همه جانبه در ذهن مردم پارسی زبان ایران برخوردار است؛ البته این تأثیرگذاری به معنی نوآوری و نواندیشی نیست؛ بدین معنی که گاهی، سعدی بی آن که مضمونی نو، ارائه کرده باشد، تنها در شیوه بیان و نحوه ارائه سخن، ذوق و ابتکار به خرج می‌دهد و در این زمینه طرحی نو درمی‌اندازد که در عین حال که از ذهن و زبان جامعه، به دور نیست و هستی و نیازهای انسانی را در لحظه‌ای که بدان پرداخته شده است، به خوبی منعکس می‌سازد، نوعی خوش سلیقگی و رندانگی نمکین، در سخن او، جاذبه و حرارتی خاص ایجاد می‌کند که مردم آن را «نواندیشانه» و «قابل ذکر» و «روایت شدنی» می‌دانند و از آن برای هرچه بیشتر رسوخ کردن در دل و جان دیگران سود می‌برند (رستگار فسایی ۱۳۷۹، ۱۰).

دکتر شمیسا نیز جمع کردن عناصر پراکنده عشق و عاشقی و زیبایی و لطافت صوری و معنوی را در کنار هم و وفادار ماندن شاعر بر شرح عشق و عاشقی و مطرح کردن مضامین اجتماعی و اخلاقی و عرفانی در غزلیات را از ویژگی‌های او دانسته است (شمیسا ۱۳۹۶، ۸۹).

اصولا یکی از رازهای موفقیت سعدی در غزل، بیان مفاهیم و اندیشه‌های وسیع عاشقانه به زبانی ساده و شیرین و رسا با به کار گرفتن آرایه‌های دلنشین ادبی است، بی‌آنکه سادگی خود را از دست بدهد و یا قابل تقلید باشد.

سعدی، عشق را خوب می‌شناسد و دل و روح او سرشار از عواطف عاشقانه است. غزل او وقف عشق و مستی است؛ همچنین در مورد ویژگی‌های ساختاری غزل‌های سعدی، بیان شده: از دید ساختار، هر غزل سعدی دارای کلیتی به هم پیوسته و یگانه است که حاصل هماهنگی فکر و نیازهای

ذهن خلاق، هنرمندی و هنرشناسی و ذوق زیبایی پسند این شاعر بزرگ است که در پایان تصاویر روشن، زنده و پویا را ارائه می‌کنند که از یک سو به خوبی می‌توانند موقعیت شاعر را در لحظه انشاء شعر به تماشا بگذارند و از سویی دیگر احساس‌های آشنا و رنج و شادی‌ها و زیبایی‌ها و عواطف خاص ایرانیان را به خود منطبق سازند.

تحلیل باب دوازدهم گلدسته گلشن معانی

متأسفانه در هیچ کدام از نسخ و تذکره‌هایی که مراجعه شد، درباره مؤلف رساله نامبرده، محمد صابر ولد محمد صالح متخلص به همت، اشاره‌ای نشده است. در کتاب الذریعه ذیل نام «همت» چندین تن معرفی شده‌اند؛ از جمله همت اردبیلی، همت بدخشی، همت اصفهانی، همت سیستانی، همت شیرازی، همت فرخ‌آبادی، همت گورگهپوری (طهرانی ۱۳۸۷ هـ/۱۹۶۷ م، ۱۳۰۰-۱۳۰۱) اما هیچ کدام از این اشخاص مؤلف کتاب گلدسته گلشن معانی نیستند. در این اثر از شاعران بسیاری نامبرده شده است که درباره آنها اطلاعات کامل وجود دارد، مانند آفرین لاهوری (۱۰۷۰-۱۱۵۴)، دانش مشهدی (۱۰۷۶ق)، روشن ضمیر دهلوی (۱۰۷۷/۱۰۸۰ق)، شوکت بخارایی (۱۱۰۷ق) و غیره. بنابراین می‌توان گفت که مؤلف تا آن زمان، یعنی تا اوایل قرن دوازدهم در قید حیات بوده است. گاهی در اشعار به جای نام شاعر تخلص و لقب او ذکر شده است. برای مثال: خواجه حسن ابن غیاث الدین محمد و تخلص «ثنائی» است، یا شیخ محمد هادی، «رمزی» تخلص است. پس از مراجعه به فهرست‌های نسخ خطی تاکنون، چهار نسخه از این کتاب شناخته شده است:

نسخه گلدسته گلشن معانی کتابخانه مولانا آزاد در دانشگاه علیگر، هند: این نسخه به شماره ف-۴۳-۱، در این کتابخانه موجود است. کتابت آن به دست کاتبی ناشناس به تاریخ ۱۱۲۲ ه. ق اتمام یافته است. عنوان گلدسته گلشن معانی بر روی نسخه دیده می‌شود که این اثر به همین نام شناخته می‌شود. این نسخه ۱۳۲ صفحه دارد و هر صفحه از ۱۵ سطر تشکیل شده است. در مجموع دارای ۳۳۷۴ بیت است. کتابت آن از آقای میرعلی اصفهانی است (عابدی ۱۳۸۶، ۱۴-۱۹). این اثر در ۱۹ باب و ۵۵ فصل فراهم آمده است. آنچه محمدرضا شیرازی در نسخه بنگلادش بر آن افزوده است در این نسخه مشاهده نمی‌شود، خط این نسخه خوانا و واضح است اما بخش‌هایی از متن محو شدگی دارد.

شایان ذکر است دو نسخه دیگر هم از کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، یکی به نام گلدسته گلشن معانی و دیگری به نام گلدسته گلشن خیالی وجود دارد.

باب دوازدهم گلدسته گلشن معانی

در بیان بی‌وفایی معشوق و وفای عاشق، اختلاط و تغافل، مکر و فریب، رشک و وعده، آشنائی و عهد و پیمان از عاشق و معشوق بر سه فصل سروده شده است .

فصل اول این باب در بیان بی‌وفائی و تغافل، فریب و مکر از شاعران مختلف مانند فغانی، خسرو، آصفی، صائب، لسانی، سعدی، آملی، جامی، وحشی، عطایی و... گردآوری شده است.
سعدی:

به آخر دوستی نتوان بریدن از اول خود نمی‌بایست پیوست

صائب:

هیچ با مهر پرستان نظری نیست ترا به اسیران ز سر ناز سری نیست مرا

لسانی:

ز یار بی‌وفا بی‌زارم ای دل‌گر پری باشد (ازو دل برکنم گر) در کمال دل‌بری باشد.

فصل دوم این باب در بیان وفا و رشک، اختلاط و آشنایی از شاعران مختلف مانند فغانی، صائب، لسانی، سعدی، آملی، جامی، وحشی، خود شاعر، سفایی، همدانی و... گردآوری شده است.
بابا فغانی:

تو شمع بزم اغیاری و من از آتش غیرت ز برق آه روشن می‌کنم کاشانه خود را

شاعر:

ز اختلاط شود قدر در نظرها کم گهر درون صدف معتبر ز تنهایی است

حکیم سفایی:

من حریف ننگ‌وعار و بی‌وفایی نیستم بند بندم گر کنی مرد جدایی نیستم

فصل سوم این باب در بیان وعده و عهد و پیمان از شاعران مختلف مانند فغانی، صائب، سعدی، آملی، جامی، وحشی، خواجه کرمانی، سلمان ساوجی، حسن دهلوی، هلالی، لاهوری و... گردآوری شده است.

حسن دهلوی:

می‌نه اندیشی که فردایی است هر امروز را وه که در یک وعده چند امروز و فردا کرده‌ای

خواجه کرمانی:

چه سود عهده (که می‌کنی با من) تو عهد می‌کنی اما به جا نمی‌آری

منیر لاهوری:

وفای عهد کمان از تو بی‌وفا داریم کمال ساده دل‌هاست این که ما داریم

در گلدسته گلشن معانی نیز اشعاری به کار رفته از شاعران بزرگ مانند همدانی، سعدی، سلمان ساوجی و غیره. کلیم همدانی یا کاشانی از شاعران برجسته سبک موسوم به اصفهانی یا هندی است، او در آفرینش تصاویر جدید و خلق معنی و مضمون تازه یکی از توانمندترین شاعران این سبک است.

تصویرهایی که ساخته ذهن و ذوق این شاعر خلاق است فراهم آمده از موضوعاتی است که یا از قبل در ادبیات ایران سابقه دارد و شاعر در ترکیب خود نگرشی تازه بدو دارد و یا موضوع جدیدی است که در سبک این دوره رایج شده است برخی از این موضوعات کاربرد بیشتری در شعر او داشته است.

در غزلیات سلمان ساوجی، شاعر قرن هشتم، تلفیق دو گونه غزل عارفانه و عاشقانه بنا به اقتضای عصر و دوره، به گونه‌ای بسیار طبیعی انعکاس یافته است. درون‌مایه‌ها و مضامین این اشعار دربرگیرنده معانی دقیق و ظریفی است که در اثنای کلام و در ظرف الفاظ گنجانده شده است. سلمان با زبانی لطیف، از ترکیب عشق و عرفان، مضامین پربسامدی همچون حجاب بودن جسم و تن، حلقه زلف، زلف مشکین و کفر زلف، رخسار و همچنین چشم مست معشوق و حسن روی او، لب و سخن معشوق، هجران و فراق دوست، وفای عاشق و جفا و بدعهدی معشوق، بی‌هنری عقل در طول عاشقی و باد سحر را با تشخیصی جدید بازآفرینی کرده است. همچنین، با استفاده از برخی دیگر از مضمون‌های رایج در قرن هشتم، در قالب واژه‌ها و عباراتی همچون محتسب و زاهد ظاهر پرست، روند در دی‌آشام درون صاف، می‌جام‌الست، هیچ بودن نقش و نگار جهان، و در رسیدن شام اجل بر در سرای امل را دریافته و با توصیفات بس هنرمندانه و با توجهی وافر، به سان عارفی تمام عیار، تصاویری از این گونه مضمون‌پردازی‌های خود را به رخ کشیده است. از همین منظر است که می‌توان وی را سرآمد مضمون‌آفرینی بدیع در غزل فارسی به خصوص غزل سرایی قرن هشتم و بعد از آن به حساب آورد. سبک شاعر ابراتی، طالب‌آملی مورد سبک طالبه در حد وسط دو جریان عمده شعر فارسی عصر صفوی یعنی الساخنه هندوستانی و شاخه ایرانی آن قرار دارد.

عنصری، ملک الشعراء دربار محمود غزنوی، یکی از بزرگترین مدیحه‌سرایان و قصیده‌پردازان شعر فارسی است. شاعران پس از وی در شعرهایشان، موضع‌گیری‌های متفاوتی در قبال او داشته‌اند: عددهای مدیحه‌سرایی وی را مورد انتقاد قرار داده‌اند، برخی از تجملات او که در نتیجه ثنا گسترگی به دست آورده بود - یاد کرده‌اند، برخی نیز به استادی وی اقرار کرده، از روی تأثیرهایی پذیرفته‌اند. زبان عنصری از نظر کهنگی‌های زبانی به زبان شاعران عصر سامانی شباهت بسیاری دارد، اما عناصر غربی در سخن وی فراوان‌تر است. وی بیشتر به سرودن قصیده‌های مقتضب، با قصیده‌هایی با تغزل کوتاه، تمایل دارد. وی به واج‌آرایی، ترصیع، جناس مضارع و زاید، سجع، اشتقاق، جمع و تقسیم، لف و نشر، تناسب و تضاد، سؤال و جواب و حسن تعلیل، توجه خاصی دارد. با اینکه شاعری مداح است، به معانی عام و کلی نیز توجه دارد، مهم‌ترین عنصر بیانی در شعر عنصری، تشبیه است. از انواع تشبیه، تشبیه بلیغ، تشبیه‌های حسی، عقلی و خیالی و تشبیه مضمور مورد توجه او می‌باشد. عنصری اولین شاعری است که تشبیهات عقلی و وهمی و خیالی را فراوان به کار برده و شاعران دیگر، در این شیوه

از او پیروی کرده‌اند. عنصری شاعری است بلند نظر، واقع بین، در مدیحه گوی معتدل، صاحب دانش‌های عقلی، اهل استدلال و دارای بینشی اشرافی؛ و این ویژگی‌ها در شعر او نیز انعکاس دارد. خردگرایی مهم‌ترین اندیشه فردوسی است؛ فردوسی، خرد را مهم‌ترین ملاک در راهبردها و راهکارهای زندگی انسان می‌داند و بر آن است که وجه ممیزه انسان در آفرینش، خرد است و بر همین اساس نیز شخصیت و عملکرد شاهان و پهلوانان ایرانی را تبیین و ارزیابی می‌نماید. مهم‌ترین عوامل تثبیت اندیشه خردورزی، تحکیم اندیشه‌های اعتزالی و گرایش به حکمت و فلسفه و انسان‌گرایی برای تبیین عقلانی اصول دین اسلام و گسترش آن در این قرن است.

صائب، نماینده سبک هندی است. مفاهیم در این سبک به سبب تلاش شاعران در یافتن معنی بیگانه و دیرپاب، مضمون‌های متفاوت و متنوع و برقراری ارتباط‌های ظریف میان محسوسات و غیرمحسوسات، بسیار مبهم و پیچیده هستند. از این رو، اشعار در این سبک به شرح و بررسی دقیق نیازمند است و شرح آنها بسیار ضروری است. شناخت منسجم‌ترین و بهترین گزیده غزلیات صائب و همچنین معرفی کاستی‌ها و معایب هر یک از آنهاست. هر یک از شرح‌های موجود به گونه‌ای در رفع دشواری‌های شعر صائب مفید و مناسب است. از نظر محتوایی و دقت در بیان نکات خاص و مهم شعر صائب، شرح معدن‌کن، قهرمان و کریمی از بهترین شرح‌ها هستند.

مقایسه باب سوم بوستان سعدی و باب دوازدهم گلدسته گلشن معانی

بخش عمده‌ای که در این باب، عنوان حکایت به خود گرفته است دارای دو شخصیت با یک واسطه می‌باشد و اغلب گفت‌وگوهای آن نتیجه و پیام حکایت را در خود دارد، به همین دلیل است که سعدی چندان به شخصیت و شخصیت‌پردازی نمی‌پردازد. تعدادی از حکایت‌های وی فاقد پایان‌بندی است. شگرد دیگر شاعر، در به کارگیری راوی و آغاز روایت داستان‌هاست. از مجموع بیست حکایت باب سوم در نوزده فقره آن راوی، سوم شخص دانای کل است.

بوستان سعدی باعث تصفیه و تزکیه روح آدمی و عبرت‌آموزی انسان می‌شود که می‌توان آن را از نتایج اخلاقی و اجتماعی داستان‌هایش دریافت.

بخش عمده‌ای که در بوستان، عنوان حکایت به خود گرفته‌اند، دارای دو شخصیت با یک واسطه هستند. اما عملی که از اشخاص داستان سرزند و حرکت و تغییری را در داستان به وجود آورد، وجود ندارد. بیشتر گفت‌وگوهای حکایات، پرسش و پاسخی بیش نیستند که اغلب در پایان حکایات نمایانگر می‌شوند و نتیجه و پیام حکایت را در خود دارند. بنابراین، نمی‌توان آنها را عنصری داستانی دانست. در این موارد، اغلب اوقات رفتار قهرمان با شخصیت اصلی حکایت، مورد پرسش، ملامت یا تمسخر قرار می‌گیرد و قهرمان پاسخی حکیمانه در قالب کلام یا رفتاری دیگر ارائه می‌دهد.

اشخاص حکایات بوستان سعدی اغلب تیپ‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. کسانی چون پادشاهان، وزیران، دانایان، عاشقان، معشوقان، غلامان، فقرا، صوفیان، مردان و زنان و ... از این گروه‌اند. چنانکه ملاحظه شد، حکایت‌ها از نظر زمانی، روایتی خطی دارند و از حیث شخصیت‌سازی و حادثه‌پردازی، هیچگونه تازگی و ابتکاری در آنها مشاهده نمی‌شود. آنچه می‌تواند تا حد زیادی ضعف ساختاری حکایات سعدی را جبران نماید، دقت و ظرافتی است که سعدی در کاربرد شیوه بیان هنری و توصیف‌های غنایی‌اش در لابلای حکایت‌های تعلیمی از خود نشان داده است. در حدود نود درصد از حکایت‌های سعدی، اشخاص نام خاصی ندارند و از آنها با عناوین کلی یاد می‌شود.

زنان حاضر در این حکایات، همگی جزو شخصیت‌های منفی داستان هستند. مردان اکثریت مطلق اشخاص این حکایت‌ها را تشکیل می‌دهند. سعدی این اشخاص را از طبقات مختلف جامعه برگزیده است. از طرف دیگر می‌توان باب سوم بوستان را از نظر تعداد شخصیت‌های داستان به پنج گروه پنج شخصیتی، چهار شخصیتی، سه شخصیتی، دو شخصیتی و یک شخصیتی دسته‌بندی نمود که اکثریت قریب به اتفاق سه شخصیتی هستند.

سعدی در این باب، در کنار شخصیت‌های انسانی، از شخصیت‌های حیوانی و اشیای نمادین نیز بهره گرفته است. شخصیت‌هایی چون شمع و پروانه و شیر از این گروه هستند. اگرچه شمار این اشخاص در اینجا اندک است، اما در همین حد، نیز موجب زیبایی و تنوع در حکایت‌پردازی شده است. دنیایی که در بوستان ترسیم می‌شود دنیایی است دو قطبی و ثابت. دو قطبی از آن رو که اشخاص داستان‌های بوستان، یا مظهر حسن و کمال هستند و یا تباهی و زشتی، ثروتمندند یا فقیر، شاهزاده‌اند یا گدازده، جوانند یا پیر، عاشقند یا معشوق و ... از این روست که دارای شخصیتی ایستا هستند. از مجموع ۲۰ حکایت در ۱۹ حکایت آن، راوی سوم شخص «دانای کل» است، کاربرد چنین شیوه‌ای از روایت، اولاً حاکی از آن است که در جامعه عصر سعدی، فردیت انسان‌ها در سایه کلیت جامعه، محو و بیرنگ است؛ در ثانی از حیث داستان‌پردازی نیز برخوردار حکایت از روای شناخته شده، از نظر شاعر چندان اهمیتی نداشته است و آنچه برای سعدی مهم است، نتیجه داستان است.

آغاز حکایات این باب بیشتر با گفت‌وگوی دو نفره است و بیشتر به یک پرسش و پاسخ منحصر می‌شود، نظیر حکایت پانزدهم. به گفتار یک‌طرف نیز در این باب برخورد نمودیم مانند حکایت شانزدهم که در جای خودش به آن پرداخته شد. اما پایان‌بندی حکایات در اغلب موارد با نتیجه‌گیری‌های سعدی از داستان ختم می‌شود. نکته دیگر این که این نتیجه‌گیری‌ها در اغلب موارد ایده و نظر سعدی است نه برآیند مستقیم کنش‌ها و گفت‌وگوهای حکایت. مانند حکایاتی که فاقد پایان‌بندی و گره‌گشایی هستند، نظیر حکایت جوان نی آموز. در این حکایات سعدی همین که به نتیجه

مورد نظر خود دست یابد، داستان را رها می‌کند.

در عناصر سازنده داستان مشاهده می‌شود که عنصر زمان و مکان زیاد مورد توجه شاعر نبوده و خواننده خود حدس می‌زند که ممکن است داستان در چه زمان یا مکانی رخ داده باشد و در اغلب داستان‌ها زمان و مکان مبهم است و چون این باب، باب عشق و مستی و شور است اکثر موضوعات حول این محور می‌چرخد و درون مایه این حکایات نیز صبوری در برابر ناملایمات و ناامید نشدن در راه عشق و فنا شدن در راه معشوق است.

گلدسته گلشن معانی از شاعران متفاوت و بزرگ اشعار وجود دارد و در سه فصل سروده شده است. فصل اول این باب در بیان بی‌وفائی و تغافل و فریب و منکر معشوق خود از شاعران مختلف مانند فغانی، خسرو، آصفی، صائب، لسانی، سعدی، آملی، جامی، وحشی، عطایی و... گردآوری شده است. فصل دوم این باب در بیان وفا و رشک و اختلاط و آشنایی معشوق از شاعران مختلف مانند فغانی، صائب، لسانی، سعدی، آملی، جامی، وحشی، خود شاعر، سفایی، همدانی و... گردآوری شده است. فصل سوم این باب در بیان وعده و عهد و پیمان معشوق از شاعران مختلف مانند فغانی، صائب، سعدی، آملی، جامی، وحشی، کرمانی، سلمان ساوجی، حسن دهلوی، هلالی، لاهوری و... گردآوری شده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا به بررسی عشق در باب سوم بوستان سعدی و تحلیل آن پرداخته شده است و همچنین به بررسی عشق در باب دوازدهم گلدسته گلشن معانی پرداختیم و در نهایت به مقایسه این دو اثر پرداخته‌ایم.

بخش عمده‌ای که در بوستان، عنوان حکایت به خود گرفته‌اند، دارای دو شخصیت با یک واسطه هستند. اما عملی که از اشخاص داستان سرزند و حرکت و تغییری را در داستان به وجود آورد، وجود ندارد. بیشتر گفت‌وگوهای حکایات، پرسش و پاسخی بیش نیستند که اغلب در پایان حکایات نمایانگر می‌شوند و نتیجه و پیام حکایت را در خود دارند. بنابراین، نمی‌توان آنها را عنصری داستانی دانست. در این موارد، اغلب اوقات رفتار قهرمان با شخصیت اصلی حکایت، مورد پرسش، ملامت یا تمسخر قرار می‌گیرد و قهرمان پاسخی حکیمانه در قالب کلام یا رفتاری دیگر ارائه می‌دهد. زنان حاضر در این حکایات، همگی جزو شخصیت‌های منفی داستان هستند. مردان اکثریت مطلق اشخاص این حکایت‌ها را تشکیل می‌دهند. سعدی در این باب، در کنار شخصیت‌های انسانی، از شخصیت‌های حیوانی و اشیای نمادین نیز بهره‌گرفته است. شخصیت‌هایی چون شمع و پروانه و شیر از این گروه هستند. دنیایی که در بوستان ترسیم می‌شود دنیایی است دو قطبی و ثابت است. دو قطبی از آن رو که اشخاص

داستان‌های بوستان، یا مظهر حسن و کمال هستند و یا تباهی و زشتی، ثروتمندند یا فقیر، شاهزاده‌اند یا گدازده، جوانند یا پیر، عاشقند یا معشوق و ... از این روست که دارای شخصیتی ایستا هستند. در عناصر سازنده داستان مشاهده می‌شود که عنصر زمان و مکان زیاد مورد توجه شاعر نبوده و خواننده خود حدس می‌زند که ممکن است داستان در چه زمان یا مکانی رخ داده باشد و در اغلب داستان‌ها زمان و مکان مبهم است و چون این باب، باب عشق و مستی و شور است اکثر موضوعات حول این محور می‌چرخد و درون‌مایه این حکایات نیز صبوری در برابر ناملایمات و ناامید نشدن در راه عشق و فنا شدن در راه معشوق است. باب دوازدهم گلدسته گلشن معانی در بیان بی‌وفایی معشوق و وفای عاشق و اختلاط و تغافل و مکر و فریب و رشک و وعده و آشنائی و عهد و پیمان از عاشق و معشوق بر سه فصل سروده شده است.

پیشنهادات:

- مقایسه و تحلیل موضوع عشق در بوستان سعدی با گلستان سعدی.
- بررسی و مقایسه آثار بوستان سعدی و گلدسته گلشن معانی با دیگر آثار شاعران.

منابع و ارجاعات

- آقا بزرگ طهرانی، محمدحسن (۱۳۸۷ق.). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. تهران: کتابخانه اسلامی، چاپ اسلامی.
- اومبرتو اکو (۱۳۹۲). *تاریخ زیبایی*، ترجمه هماینا، تهران: ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- اومبرتو اکو (۱۳۹۳). «زیبایی زشتی»، ترجمه صفورا فضل الهی، *فصلنامه نقد کتاب*، سال اول، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان، تهران.
- تسیحی، محمد حسین (۱۳۸۴). *فهرست الفبایی نسخه‌ای خطی کتابخانه گنج بخش*. پاکستان، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. ویرایش دوم.
- جعفری، عبدالوحید (۱۳۹۴). بررسی سبک زبانی غزلیات سعدی، *فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات فارسی*، سال ۱۲، شماره ۲۸.
- حجازی، معینه السادات (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی نمادپردازی در حکایت «یوسف و زلیخا» با نگاره «یوسف از دام زلیخا می‌گریزد» از نسخه بوستان سعدی دوره تیموری*، همایش بین المللی شرق شناسی، فردوسی و فرهنگ و ادب پارسی، ۱۳۹۵، دوره ۱.
- قوی کتف، غلام محمد، حمید، صمصام (۱۳۹۶). تحلیل حکایت گدازده و پادشاهزاده از باب عشق و شور و مستی در بوستان سعدی با رویکرد روایی، *فصلنامه بهارستان*، سال ۱۴، شماره ۳۶.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۹). حدیث عشق، سعدی شناسی، به کوشش کورش کمالی سروستانی، بنیاد فارس شناسی با همکاری مرکز سعدی شناسی، دفتر سوم، ص ۱۱.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۶). *سیرغزل در شعر فارسی*، انتشارات فردوس، چاپ دوم، ص ۱۲-۱۱.
- منزوی، احمد (۱۹۸۶). *فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان*. تهران: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. مجلد هفتم، منظومه‌ها (۱).

References

- Agha Bozorg Tehrani, Mohammad Hasan (1967). *al-zari'ah elā tasānif al-fi'ah*. Tehran: Islamic Library, Islamic Printing.
- Habibullah, A. B. M., & Khan, M. S. (1966). *Descriptive Catalogue of the Persian, Urdu & Arabic Manuscripts in the Dacca University Library* (Vol. 1). University Library.
- Hejazi, Moineh Sadat (1395). A comparative study of symbolism in the anecdote of "Yusuf and Zuleykha" with the painting "Yusuf escapes from the trap of Zuleykha" from the version of Saadi Bustan of the Timurid period, *International Conference on Oriental Studies, Ferdowsi and Persian Culture and Literature*, 2016, Volume 1.
- Jafari, Abdul Wahid (1394). A study of the language style of Saadi's lyric poems, *Scientific Research Quarterly of Persian Literature*, Volume 12, Number 28.

- Monzavi, Ahmad (1986). *Joint list of Pakistani Persian manuscripts*. Tehran: Persian Research Center of Iran and Pakistan. Volume 7, Poems (1).
- Qoi Kataf, Ghulam Mohammad, Hamid, Samsam (1396). Analysis of Gadazadeh and Padshahzadeh's story about love, passion and drunkenness in Saadi Park with a narrative approach, *Baharestan Quarterly*, Volume 14, Number 36.
- Rastegar Fasaei, Mansour (2000). *Hadith of Love, Saadi Studies*, by the efforts of Kourosh Kamali Sarvestani, Persian Studies Foundation in collaboration with the Saadi Studies Center, Book 3.
- Shamisa, Sirius (1396). *Sirghazal in Persian Poetry*, Ferdows Publications, Second Edition, pp. 12-11.
- Tasbihi, Mohammad Hussein (1384). *Alphabetical list of manuscripts in the Treasure Library*. Pakistan, Islamabad: Iran-Pakistan Persian Research Center. Second edition.
- Umberto Eco (1392). *History of Beauty*, translated by Hamabina, Tehran: Translation and publication of "Text" works of art.
- Umberto Eco (1393). *"Ugly Beauty"*, translated by Safoura Fazlollahi, Book Review Quarterly, First Year, No. 1 and 2, spring and summer, Tehran.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Rashid, M. M. A. (2021). Compare And Analyzed the Subject of Love From the 12th Chapter of Goldast-E Golshan-E Maa'ni And the 3rd Chapter of Saadi's Bustan. *Language Art*, 6(3):25-40, Shiraz, Iran. [in Persian]

DOI: 10.22046/LA.2021.14

URL: <https://languageart.ir/index.php/LA/article/view/253>





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Compare And Analyzed the Subject of Love From the 12th Chapter of Goldast-E Golshan-E Maa'ni And the 3rd Chapter of Saadi's Bustan

Md. Mumit Al Rashid¹

Associate Professor, Department of Persian Language & Literature, University of Dhaka, Bangladesh.



(Received: 01 April 2021; Accepted: 07 August 2021; Published: 1 September 2021)

In this article, we have analyzed the subject of love from the 12th chapter of Goldast-e Golshan-e Maa'ni and the 3rd chapter of Saadi's Bustan, as well as comparing these two works. Poems and writings about love, like love itself, have a long history and poets and writers in Iran and around the world have spoken about it. Saadi is also one of those whose sonnets are the subject of love. He has raised the word of love to the heights of the heavens and in the work of making love he is not afraid of the blame and effort of others and does not listen to the advice of the advisors. His love is pure and is not limited to human beauty. The lover, with all his negative traits, is so beautiful that a poet like Saadi remains in his description. Love in Goldaste Golshaneh Ma'ani has also collected poems by many poets and introductions, including Saadi, Hafez, Saeb, Amir Khosrow, Hassan Dehlavi, Jami, Hamedani, Lahori, Vahshi, Faghani, etc. Goldaste Golshan Maani has been written in expressing the unfaithfulness of the beloved and the fidelity of the lover, and also about the negligence, deceit, envy, promise, acquaintance and covenant between both of them.

Keywords: Love, Goldast-e Golshan-e Ma'ani, Bustan, Saadi, Compare and Analysis.

¹E-mail: mumit2020@gmail.com